

انفجار جمعیت در

در گردهمایی بین‌المللی به نام «مادر شهر ۸۴» (Metro polis 84) هشتصد صاحب‌نظر مسائل مربوط به بزرگ‌شهرهای جهان و آینده آن را بررسی کردند. این گردهمایی را که از ۱۰ تا ۱۲ اکتبر ۱۹۸۲ در پاریس صورت گرفت شورای منطقه‌ای پاریس بزرگ ترتیب داده بود. گزارش نهایی این گردهمایی که مقاله زیر از آن اقتباس شده است در شماره ۳۴ نشریه «مرکز آماس» و شهرسازی منطقه پاریس بزرگ انتشار یافت و شامل موضوعهای اساسی چهارگانه‌ای است که در گردهمایی یاد شده مورد بحث قرار گرفته است، به این شرح: جمعیت‌شناسی و شهرنشینی، جهشهای اقتصادی و فن‌شناختی، حمل و نقل، فرهنگ و محیط زیست.

در فاصله سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۵ شمار شهرهای یک میلیون نفری ده برابر و شهرهای بیش از پنج میلیون نفر بیست برابر شده است. در همین مدت کل جمعیت بزرگترین بیست و پنج شهر جهان چهار بار افزایش یافته است و با فرارسیدن سال ۲۰۰۰ از هشت یا ده برابر نیز تجاوز خواهد کرد. بدین ترتیب، میانگین جمعیت این بزرگشهرها از دو میلیون نفر به شانزده میلیون نفر خواهد رسید و در مجموع ۶ درصد کل ساکنان جهان و ۱۲ درصد جمعیت شهری آن را در بر خواهند گرفت. در سال ۲۰۰۰ بیش از نیمی از بیست و پنج کلانشهری که شماره ساکنان هر یک از آنها از ده میلیون نفر تجاوز می‌کند و نیز نزدیک به نیمی از بزرگشهرهایی که سکنه آنها بیش از چهار میلیون نفرند، سهم آسیا خواهد شد.

این گسترش رشد شهری در سطح جهانی پدیده جدیدی است. در حدود سال ۲۰۰۰ برای نخستین بار در تاریخ بشریت مجموع شهرنشینان از مجموع روستاننشینان تجاوز خواهد کرد. اگر شهرهایی را که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند «مادر شهر» به حساب بیاوریم، جمعیت کل آنها به رقمی نزدیک به ۶۰ درصد شهرنشینان، یعنی به بیش از ۱۵۰۰ میلیون نفر خواهد رسید.

یک تحول دیگر، این است که جهانی شدن پدیده شهرنشینی وزن نسبی مادر شهرهای کشورهای صنعتی و جهان سوم را دگرگون خواهد ساخت. رشد مادر شهرهای کشورهای صنعتی متوقف خواهد شد یا کاهش خواهد یافت (یکی از نمونه‌های این کیفیت، شهر لندن است که ظرف چهل سال دو میلیون از ساکنان خود را از دست داده است). در همین حال شهرهای جهان سوم بسرعت توسعه می‌یابند. در سال ۱۹۷۵ جمعیت بزرگشهرهای کشورهای پیشرفته بالغ بر ۲۶۲ میلیون نفر در برابر ۲۴۴ میلیون نفر ساکنان بزرگشهرهای جهان سوم بود، اما در سال ۲۰۰۰ جمعیت بزرگشهرهای جهان سوم به ۹۱۴ میلیون، یعنی به بیش از دو برابر ۴۴۴ میلیون نفر جمعیت احتمالی ساکنان ما در شهرهای کشورهای پیشرفته خواهد رسید.

بیش از فرارسیدن سال ۲۰۰۰ برای نخستین بار در تاریخ بشری شمار ساکنان بزرگشهرها از شمار ساکنان مساطق روستایی تجاوز خواهد کرد. بیشتر ساکنان بزرگشهرها (که جمعاً بیش از ۱/۵ میلیارد نفر خواهند بود) در بزرگشهرهایی که شماره ساکنان آنها از یک میلیون نفر بیشتر است جای خواهند گرفت. یکی از نمونه‌های تراکم فوق‌العاده جمعیت در بزرگشهرها این عکس است که در هم فشردگی ساکنان توکیو را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۸۰، ۲۸۷/۱ میلیون نفر ساکنان منطقه توکیو بزرگ یک چهارم کل جمعیت ژاپن را تشکیل می‌دادند.



Photo Paolo Gasparini, Unesco

بزرگشهرهای جهان

این تحول جمعیتی و شهرنشینی بحرانی در زمینه اقتصادی به وجود می‌آورد که توازن توزیع جمعیت و گسترش مشاغل و تقسیم ثروت را بر هم خواهد زد. تمام این رویدادها در جهانی صورت خواهد گرفت که اجزای

در این شرایط، یکی از اموری که گزیری از آن نیست افزایش جابجایی افراد از شهری به شهری و از قاره‌ای به قاره دیگر، بر اثر جاذبه‌های حقیقی یا موهوم است که بزرگشهرهای کنونی در فراسوی مرزهای متعارفی خود اعمال می‌نمایند. شاید تأثیر جاذبه سحرآمیزی کنونی کالیفرنیا بر ملت‌های امریکای لاتین نمونه شایان اشاره‌ای باشد از آنچه دیگر بزرگشهرها در این زمینه خواهند داشت.

حل مشکل کاهش جمعیت یا کندی روند رشد شهری در مادر شهرهای کشورهای پیشرفته منوط به آن است که روشی در پیش گیرند که ضمن تجدید فعالیت و نگهداشت میراث فرهنگی و نوسازی با حداکثر استفاده از بناهای اصلی موجود، مانع آن شوند که پاره‌ای از مناطق دیگر همان بزرگشهر به صورت نواحی منزوی و بسته درآید.

بزرگشهرهای کشورهای در حال رشد، برعکس، از هم اکنون کوششهایی در جهت کنترل رشد جمعیت، تنظیم توسعه شهری، و رفع کمبودهایی که در زمینه ارائه خدمات عمومی دارند، و همچنین در جهت جذب نیروی کار آماده به خدمت به کار می‌برند. مشکلاتی که مسئولان امور بزرگشهرهای کشورهای پیشرفته با آن مواجهند معلول رشد جمعیت آنها به میزان ۵ تا ۷ درصد در سال است. به این معنی که جمعیت آنها هر پانزده سال دو برابر می‌شود و افزایش جمعیت سالیانه هر یک به صدها هزار نفر می‌رسد (سالیانه ۳۵۰ هزار نفر در قاهره، ۳۰۰ هزار نفر در بانکوک و ۷۵۰ هزار نفر در مکزیکو - پایتخت مکزیک). به همین دلیل مساحت اراضی کشاورزی که در حاصلخیزترین مناطق کشاورزی این کشورها هر ساله متروک می‌شود به هزاران هکتار می‌رسد.

دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد این رشد سریع در چند سال آینده نیز همچنان ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر امروزه حجم کل جمعیت ساکن روستاها هنوز بسیار قابل توجه و میانگین نرخ موالید در روستاها بیش از شهرهاست این نرخ بالای موالید به چنان رشد جمعیتی منتهی می‌گردد که فعالیتهای کشاورزی قادر به جذب آن نیست (مطابق برآورد کارشناسان، فعالیتهای کشاورزی در این مناطق حداکثر می‌تواند ۱/۵ درصد از رشد جمعیت روستایی را پاسخگو باشد). میانگین موالید در شهرها به

مسئله راهبندان اختناق آور ترافیک شهری که مشکل بزرگ شهرهایی است که از تعداد زیادی اتومبیل استفاده می‌کنند، اکنون سرچشمه نگرانی روزافزونی برای بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز شده است. در شهرهایی مثل لاگوس و بانکوک و سانتوبولو (عکس سمت چپ) ترافیک خفقان‌آور به میزان وحشتناکی رسیده است. شهرهای جهان سوم، در حالی که از کمبود زیرساختها در غذاپخت و نمی‌توانند نیاز مندیهای کنونی شهر و روستاها را برطرف کنند، به وسایل نقلیه عمومی نیز می‌خواهند.

Photo © Yohai Higashi / Tokyo.

UN/IFPA Photo Competition



دلیل سطح آموزش و فرهنگ، کمتر از روستاهاست ولی در ضمن میانگین مرگ و میر نیز در شهرها کمتر از روستاست و به این دلیل رشد طبیعی جمعیت شهری سریعتر از روستاست. آنچه در مکزیک و هندوچین می‌گذرد شاهد این مدعاست.

در برابر این مشکل شماری از مقامات کشوری و مسئولان امور در بزرگشهرها نهایت کوشش خود را برای کنترل رشد جمعیت بزرگشهرها به کار می‌برند. شمه‌ای از این کوششها عبارت است از اتخاذ سیاستهای جمعیتی، محدود ساختن نرخ موالید در سطح کشور (بهترین نمونه آن سیاستهایی است که چین در این زمینه به کار می‌برد)، تقویت فعالیتهای کشاورزی و توسعه فعالیتهای همجوار در شهرکهای کشاورزی، گسترش شهرهایی با ابعاد متوسط و غیره.

با وجود این همگان متفق‌القولند که رشد شهری در چند دهه آینده در سطحی مشابه با آنچه تاکنون ناظر آن بوده‌ایم ادامه خواهد یافت. از این رو بر مسئولان امور در بزرگشهرها کشورهای جهان سوم واجب است که پیشاپیش وسایل استقبال از این فوجهای انبوه ساکنان جدید را آماده کنند.

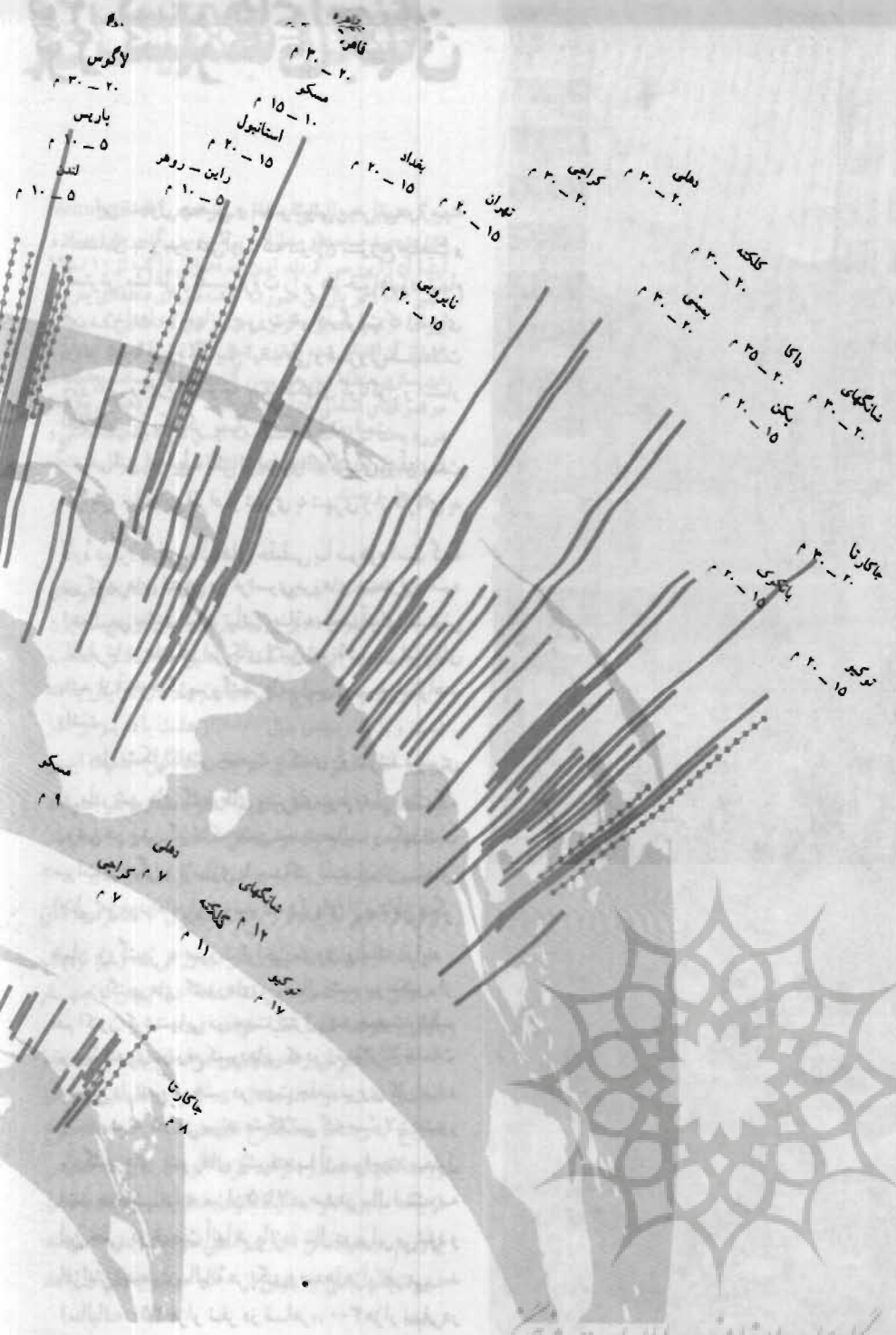
از میان راه‌حلهای متعددی که بسیاری از آنها مکملند، ایجاد مناطق توسعه‌پذیر و مجتمعها و کویهای تازه و شهرهای جدید و توسعه شبکه زیرساختها و استفاده از خانه‌های پیش‌ساخته با تشویق اهالی به ساختن خانه‌هایی دست‌ساز قابل توجه به نظر می‌رسد. ولی سرعت روند اتمام این طرحها هیچکدام به پای روند رشد جمعیت نمی‌رسد. علاوه بر این مشکل فقر نوسواران به بزرگشهرها نیز وجود دارد که وضع موجود آنها را مشکلتر می‌سازد. همه جا به اثبات رسیده است که سرعت رشد اقتصادی و امکانات اشتغال از سرعت ظهور نیازمندیهای جدید کمتر است.

بازتاب مشکلات کاریابی و مسائل فقر و فاقه در بزرگشهرهای جهان سوم در نگرانی روزافزون کارگرانی که هزینه مسکن آنها رو به افزایش است یا در اندوه آنان که تضمینی برای باقی ماندن در خانه کتونی خویش ندارند انعکاس می‌یابد. از آنجا که مشکل توسعه امکانات شهری یکی از مشکلات بسیار پیچیده است حل آن می‌تواند راه را برای حل بسیاری از مشکلات یادشده دیگر خواه در بزرگشهرها و خواه در سایر نقاط تمرکز جمعیت بگشاید.

علاوه بر این چون سطح هزینه رشد در شهرها و بزرگشهرها در افزایش و درآمدهای ملی در کشورهای پیشرفته محدود است، ترسیم سیاستی برای توسعه شهری که متضمن تحول مطلوبی برای بزرگشهرها باشد بدون توجه به تحول اقتصادی و اجتماعی کلی کشورها آسان نیست.

بزرگشهرهای کشورهای پیشرفته در طول قرن جاری شاهد ادواری از رشد سریع بوده‌اند که مقامات ذی‌علاقه کوشیده‌اند به طرق مختلف آن را متوقف سازند اما امروز، جریان بگلی متفاوت است. در حالی که پاره‌ای از شهرها (مانند لوس‌آنجلس و مسکو و مادرید) هنوز در حال گسترش هستند، پاره‌ای دیگر از شهرها (مانند پاریس بزرگ و رانشتادهلند*) تقریباً ثابت مانده‌اند یا (مانند لندن و نیویورک و بروکسل) شمار ساکنانشان کاهش یافته است. بنا بر این، هر چند در پاره‌ای مناطق محدودیت مورد نظر تحقق یافته ولی حالت وخامت همچنان باقی است.

* رانشتاد: منطقه مسکونی سراسر اراضی پست رودام و لاهه و لین و هارلم و آمستردام و هارلم و آرتخت.



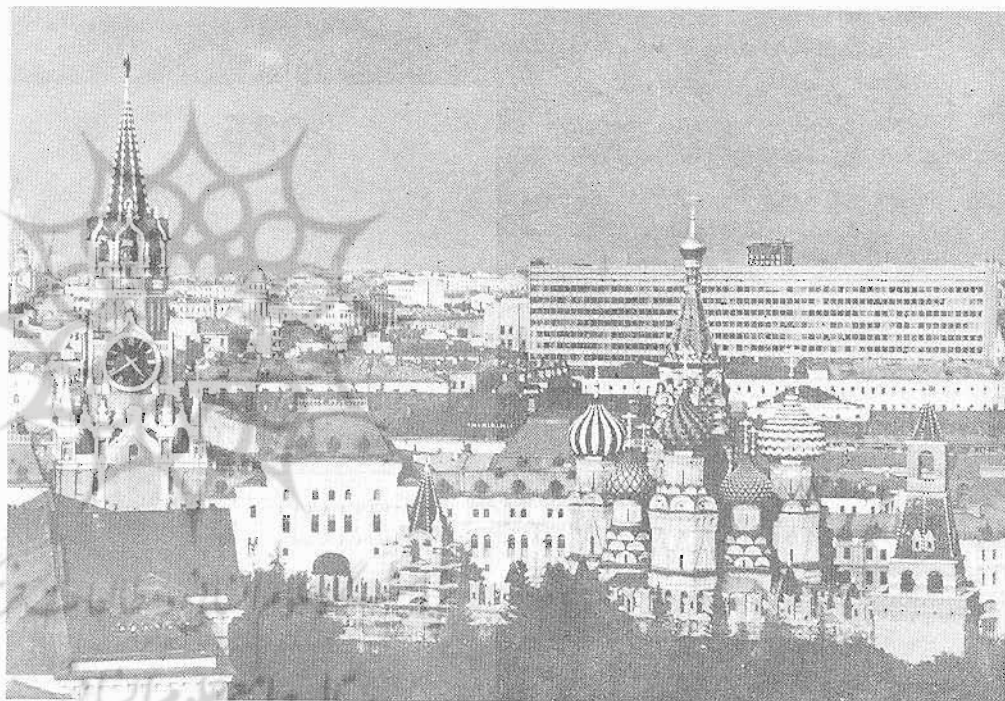
ساختنهای جدید در آبیجان، پایتخت ساحل عاج. جمعیت این شهر که در سال ۱۹۸۲ دو میلیون نفر بوده است، هر هفت سال دو برابر می‌شود

رساله جامع علوم انسانی

Photo: Georg Gerster © Rapcho, Paris



مهاجران حاشیه‌نشین که فضای مقابل این ساختمانهای رفیع را در پس‌زمینه اشغال کرده‌اند جز به چند تکه حصیر و گونی برای ایجاد سرپناه نیاز ندارند. شهر بهیمنی مانند دیگر شهرهای جهان سرم شاهد رشد سریعی است و از لحاظ مسکن با کمبودی عظیم روبروست و علاوه‌برخانه‌های موجود به دلیل کمبود و فقدان وسایل بهداشتی به هیچ‌وجه رفع احتیاج نمی‌کنند. ۸۰ درصد مسکن فقط یک‌هفته است و ۵۲ درصد از آنها شش نفر یا بیشتر به سر می‌برند. برآورد شده است که بهای ارز آن قیمت‌ترین مسکن توده مردم به اندازه‌ای است که جز تو انگرترین ساکنان، که نسبت ایشان از ۴۰ درصد جمعیت تجاوز نمی‌کند، نمی‌توانند ساقی روی سر داشته باشند. علاوه بر این روزانه ۵۰۰ نفر مهاجر جدید وارد این شهر می‌شوند و طبق برآورد سازمان ملل اگر مهاجرت به شهر به همین منوال ادامه یابد ساکنان بهیمنی در سال ۲۰۰۰ به ۱۷ میلیون نفر خواهد رسید.



برجها و گنبدهای کلیسای جامع سن بازیل (سمت راست) مشرف بر میدان سرخ در قلب مسکو قرار دارد. منطقه بزرگشهری مسکو اینک ۸/۳ میلیون نفر و حومه آن بیش از ۴/۲ میلیون نفر جمعیت دارند. شهر طبق طرحهای جامع ۲۰ و ۲۵ ساله گسترش می‌یابد و میانگین افزایش جمعیت آن سالانه به ۹۰/۰۰۰ نفر می‌رسد، ولی این رشد به سبب محدودیتهایی که برای ایجاد نواحی اشغال‌زای جدید وضع شده به کندی گرایده است.

Photo © APN, Paris

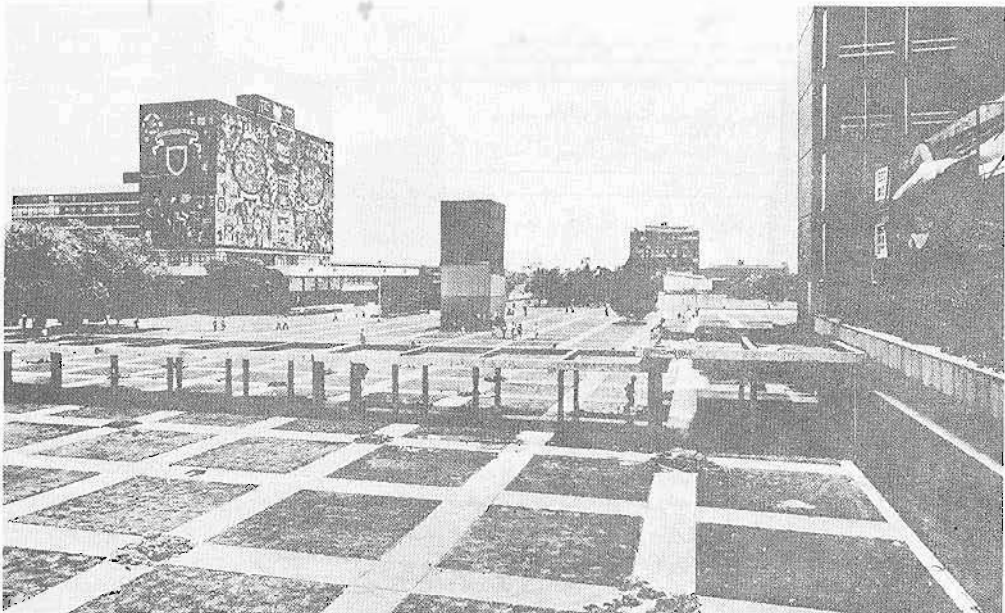


Photo Paolo Gasparini, Unesco

یکی از مشکلات مهمی که بزرگشهرهای جهان امروز با آن مواجهند مشکل تأمین چنان خودکفایی منطقه‌ای و عدم تمرکز است که امکان مشارکت هر چه بیشتر شهر و تدان را در حل مشکلات شهر فراهم آورد. در سمت راست منظره دانشگاه آزاد ملی در مکزیکو ملاحظه می‌شود. میانگین افزایش جمعیت این شهر سالانه بالغ بر ۷۵۰/۰۰۰ نفر است.

منطقه‌ای و فدرالی و کشوری همکاری کنند، خصوصیت بزرگشهر ایجاد می‌نماید که همواره آن را به صورت

مجموعه تجزیه‌ناپذیری در نظر گیرند.

یکی از نکات اساسی در مورد اتخاذ تدابیری مربوط به گسترش شهری عملی بودن آنها از لحاظ فنی و فرهنگی و مالی است. تجربه نشان داده است که در نقاط مختلف جهان عامل توفیق یا شکست، نه کیفیت شهرسازی یا ابعاد هنری طرحها (یعنی صفات ذاتی آنها)،

بلکه بیسر سیران سازگاری آنها با معضیات محلی از نظر شرایط فنی و اداری و مالی است. هنوز باید در این زمینه راه درازی پیمود و بحران اقتصادی موجود و وضع مالی ضعیف ساکنان بزرگشهرهای جهان سوم این ضرورت را تشدید می‌نمایند.

این واقعیت مبنای مشارکت شهروندان در عملیات انتخاب برنامه‌های شهرسازی در ابعاد وسیع است. گرچه رشد کمی و تنوع فرهنگی و اهمیت جمعیت‌های ذینفع، و نیز پیچیدگی امور اجرایی همه دشواریهایی هستند که برای تضمین مشارکت واقعی شهروندان و نیل به حداکثر موفقیت در عملیات آینده باید برطرف گردند.

است به جهات دیگر از امواج دهها و صدها یا هزاران نفر از تازه‌واردان استقبال کند.

در حالی که جریان این مبادله در کمال شدت ادامه دارد عده ساکنان پاره‌ای از محلات بزرگشهر - بیشتر در مرکز آن - کاستی می‌گیرند و شمار ساکنان پاره‌ای از محلات دیگر آن فزونی می‌یابد. به همین دلیل است که گسترش شهری و بازسازی مراکز شهر دو مشکل متفاوت هستند که حل همزمان آنها بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

از جمله سؤالاتی که در این مورد سرش می‌رسد می‌آید این است که راه‌حلهای مشترک و مناسب جهانی در برابر تنوع و تنوع اوضاع و احوال کدامست؟ بدیهی است تفاوت‌های جمعیتی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آشکاری بین قاره‌ها وجود دارد. گذشته از این، هر وضعی در هر کشور نتیجه پیامدهای تاریخی و جغرافیایی معین و به این جهت در نوع خود یگانه و بی‌نظیر است.

ویژگی بزرگشهرها، در این است که همه جا به صورت اولیاتی برای تفکر و چاره‌جویی درآمده‌اند. حتی آنجا که محدوده بزرگشهر نامشخص و تغییر یابنده است، حتی اگر مسئولان ناگزیرند که با دیگر جوامع محلی و

این وخامت از آنجا ناشی می‌شود که حتی وقتی افزایش تعداد ساکنان بزرگشهرها متوقف شود یا رو به کاهش نهد باز هم مساحت اشغال شده تا سر حد امکان (بویژه از نظر شبکه‌ها و تجهیزات شهری) در بافت اقتصادی کنونی گسترش می‌یابد.

در عین حال بر اثر این بحران مشکلات پیچیده مضاعفی که ناشی از شیوه زندگی حاصل از تغییرات اجتماعی - تشلی مترتب بر تحولات صنعتی است و نیز افزایش بی‌وقفی جمعیت ساکنان بزرگشهرها مشکلات اجتماعی دیگر، مانند جرایم و جنایات و اعتیاد به مواد مخدر افزایش خواهد یافت. افزایش شمار فقیران یکی از نشانه‌های وخامت بیماری کل جامعه است و این گروه‌های انبوه ساکن در مناطق معینی از بزرگشهرها نمایانگر تشدید لایه‌بندیهای مکانی اجتماعات است.

اما تجارب حاصل ظرف پنجاه سال گذشته امکاناتی برای تحول شیوه‌های مورد قبول رشد شهری به دست می‌دهد که در بیشتر کشورها به مرحله اجرا درآمده و خلاصه مهمترین عناصر آنها چنین است:

مراکز چندگانه: اینک روشن شده است که سازماندهی مناطق شهری باید مبتنی بر شبکه‌ای از مراکز تابع سلسله مراتب باشد که هر یک خدمات لازم را برای ساکنان خود تأمین کند. به عنوان نمونه‌های خوب این کیفیت می‌توان از منطقه پاریس بزرگ و لوس‌آنجلس و رانشتادهلند و لندن نام برد.

مفهوم ناپوستگی: فضاها سبز مقطعی می‌توانند پیوستگی بکنواخت و سفره مانند مناطق شهری را که امروز دیگر در هیچ کشوری مورد قبول نیست قطع کنند. نمونه‌های گوناگون تحقق این مفهوم در مسوترآل و لوس‌آنجلس و مسکو و بروکسل و کینشاک و منطقه پاریس بزرگ و رانشتاد دیده می‌شود.

اهمیت تجدید شهرسازی: بدیهی است این امر عامل اصلی تهیه مسکن برای ساکنان و به هم آمیختن آنها در مجموعه شهر به صورتی بهتر است.

هدایت عملیات برنامه‌ریزی در بخشهای شهری: این هدایت در حجم فشرده امکان می‌دهد تدابیری دقیقتر و در نتیجه مناسبتر و هماهنگتر با شئون انسانی اتخاذ گردد و کمال بیشتری در زمینه شهرسازی به وجود آید.

صرفه‌جویی در نیرو: به دنبال بحران انرژی در سالهای ۷۰ و توجه شدید به صرفه‌جویی در نیرو، چشم‌اندازهای توسعه شهری تغییر یافته است. از آنجا که پراکندگی مناطق موجب افزونی هزینه تأمین نیروست، اینک توجه به اولویت توسعه محورهای ممتاز و قطبهای تمرکز و همکاسه کردن خدمات به صورت اصول راهنمای برنامه‌ریزی شهری درآمده است.

تجربهای موجود پیچیدگی قابل توجه بدیده بزرگشهری را آشکار می‌سازد. بزرگشهر ساختاری ثابت و پایدار با دزی متروک نیست بلکه با مناطق اطراف خود مبادلاتی گوناگون دارد و حتی وقتی که بزرگشهر به جهاتی ساکنان فعلی خود را از دست می‌دهد باز هم ناگزیر

پس از آنکه بسیاری از کشورهای صنعتی دوره رشد سریع خود را در مرحله آغاز این قرن پشت سر گذاشتند، چنین به نظر می‌رسد که جمعیت آنها اگر کاهش نیافته باشد در حال ناپتی باقی مانده است. شهر لندن (سمت چپ) یکی از بزرگشهرهایی است که از شمار ساکنانش کاسته شده است. لندن بزرگ ظرف چهل سال گذشته دو میلیون از ساکنان خود را از دست داده (یعنی جمعیت آن که در سال ۱۹۳۹، ۸/۶ میلیون نفر بود در ۱۹۸۱ به ۶/۷ میلیون کاهش یافته است). پیش‌بینی می‌شود که این کاهش با روندی کمتر همچنان ادامه خواهد یافت.

